برشی از روزنامه‌ها

«خلیج‌فارس» هویت تاریخی ایران

ایران

علی‌اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل رهبر معظم انقلاب در یادداشتی در روزنامه ایران نوشت: خلیج‌فارس، این آبراه استراتژیک و تاریخی، بار دیگر در کانون توجه جهانی قرار گرفته است، چراکه برخی مدعیان با تحریف و استفاده از نام‌های جعلی، تلاش دارند اصالت این نام کهن را زیر سؤال ببرند. حال آنکه نام خلیج‌فارس به عنوان نامی بر بخش مهمی از پیکره ایران، نه فقط در طول تاریخ در میان ایرانیان که در میان مردم دیگر کشورهای دور و نزدیک نیز به همین نام شناخته می‌شده است.
نویسنده پس از اشارات تاریخی فراوان درباره اصالت این نام ریشه‌دار و تاریخی نوشته است: امروز در برابر موج جدید تحریف نام خلیج‌فارس، انتظار می‌رود دولت محترم با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، بیش از پیش به اعتلای هویت ایرانی- اسلامی و اثبات حقانیت تاریخی ایران بر این آبراه بپردازد. یکی از راهکارهای مؤثر، انتقال رویدادهای مهم و شناخته‌شده فرهنگی به جنوب کشور و سواحل خلیج‌فارس است؛ اقدامی که می‌تواند نام خلیج‌فارس را در جهان برجسته‌تر کند. به ویژه برگزاری جشنواره‌هایی چون جشنواره جهانی فیلم فجر در این منطقه، نه‌تنها پیوند فرهنگ و تاریخ را تقویت می‌کند، بلکه پژواک نام خلیج‌فارس را در جهان طنین‌انداز خواهد ساخت. در نهایت اینکه پاسداشت نام خلیج‌فارس تنها یک مطالبه ملی نیست، بلکه وظیفه‌ای تاریخی و فرهنگی است که با هم‌افزایی نهادهای دولتی، هنری و اجتماعی می‌توان آن را به بهترین شکل محقق ساخت.

رسانه‌های دینی در عصر جدید

جام جم

روزنامه جام‌جم به بهانه پیام تاریخی مقام معظم رهبری به مناسبت یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم نوشت: در عصر هجمه‌های فکری، رسانه‌های دینی دیگر نمی‌توانند با روش‌های سنتی و یک‌سویه به انتقال پیام بپردازند. سخن گهربار رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره به ضرورتی حیاتی دارد؛ پیام دینی باید خلأها را پر کند، بهروز و هدفمند باشد و این می‌طلبد که طلبه‌ها و فعالان رسانه‌ای دین، مجهز به مهارت‌های حرفه‌ای شوند. امروز، دشمن با ابزارهای پیشرفته و روان‌شناسی پیچیده، القائات شبهه‌انگیز را به‌سرعت در فضای مجازی منتشر می‌کند. مقابله با این هجمه، فقط با «دانش دینی محض» ممکن نیست. طلبه‌ها و مبلغان باید «قدرت اقناع، فنون گفت‌وگو، مدیریت افکار عمومی و برخورد منظم با مخالفان» را بیاموزند. اینجاست که نقش «نهادهای آموزشی تخصصی رسانه‌ای» پررنگ می‌شود؛ دستگاه‌هایی که با دوره‌های فشرده و عملی، نیروهایی کارآمد برای میدان رسانه تربیت کنند. دین نباید در قالب عبارات خشک و غیرجذاب ارائه شود. جوان امروز با ادبیات کهنه و یکنواخت ارتباط برقرار نمی‌کند. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تأکید کردند، پاسخ‌های دینی باید در قالب ادبیات روز و با استفاده از ابزارهای فنی مدرن ارائه شوند. تولید محتوای دینی باید با شناخت «آخرین شبهات فکری» و طراحی «بسته‌های فرهنگی جذاب» برای نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها همراه باشد. رسانه‌های انقلابی و دینی نباید منفعل باشند. آنها باید با تحلیل هوشمندانه فضای رسانه‌ای، پیش‌دستی کنند و با تولید محتوای اثرگذار، پست‌به‌پست، در میدان نبرد اندیشه‌ها حاضر شوند. اینجاست که «انضباط رسانه‌ای» و «برخورد حکیمانه با مخالفان» به یک هنر تبدیل می‌شود. اگر می‌خواهیم پیام اسلام ناب به‌درستی منتقل شود، باید رسانگری تربیت کنیم که هم «مفسر قرآن» باشد، هم «مسلط به فضای رسانه»، هم «اقناع‌گر» و هم «خلاق در تولید محتوا». رسانه دینی امروز یا هوشمند و اثرگذار خواهد بود یا محکوم به حاشیه‌نشینی.

از سنگر سنت تا قرارگاه تمدن

همشهری

روزنامه همشهری یادداشت خود را به پیام رهبر معظم انقلاب درباره یکصدمین سال تأسیس حوزه علمیه قم نوشت: ایشان در این پیام تأکید کردند که حوزه باید واجد ویژگی‌هایی نظیر نوآوری، بالندگی، روزآمدی، مهذب‌بودن، روحیه مجاهدت، هویت انقلابی و آمادگی برای طراحی نظامات اجتماعی باشد. در نگاه معظم‌له، حوزه نمی‌تواند صرفاً محصور در سنت‌های کهن باقی بماند، بلکه باید به نهادی پاسخگو، تمدن‌ساز و هدایتگر در ساحت اجتماعی، فرهنگی و فکری جهان اسلام بدل شود. رهبر انقلاب اسلامی «بلاغ مبین» را مهم‌ترین رسالت حوزه دانستند و این وظیفه را نه صرفاً در تعلیم احکام فردی و جزئی، بلکه در ترسیم افق‌های کلان تمدنی برای جامعه اسلامی تعریف کردند. از منظر ایشان حوزه علمیه باید با رویکردی فعال و الهام‌گرفته از وحی و سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام، خطوط اصلی تمدن نوین اسلامی را تبیین، ترویج و نهادینه کند. ایشان همچنین در بخش‌هایی از پیام خود با اشاره به نقش حوزه در تاریخ معاصر، از ماجرای فتوای میرزای شیرازی و واقعه مشروطه تا توطئه‌های استعمار در عصر رضاخان، بر نقش تاریخی و بی‌بدیل حوزه در حفظ دین، مقابله با استبداد و ایجاد بسترهای انقلاب اسلامی تأکید کردند. به‌ویژه با احیای حوزه قم به‌دست مرحوم آیت‌الله حائری و استمرار آن تا عصر امام خمینی، حوزه علمیه به کانون تحول‌ساز تمدن نوین اسلامی بدل شد. اکنون نیز در پرتو بیانات رهبر معظم انقلاب، حوزه‌ها در برابر مسئولیتی تاریخی ایستاده‌اند؛ مسئولیتی که جز با شناخت عمیق زمانه، بازنگری در روش‌ها و احیای روح مجاهدت و نوآوری محقق نخواهد شد.

متهم طلبکار

کیهان

روزنامه کیهان در یادداشتی با بیان اینکه انرژی هسته‌ای حتی در غنی‌سازی‌های سطح بالای اورانیوم مانند ۶۰ تا ۹۰ درصد هم مصارف غیرنظامی دارد، نوشت: تولید رادیوداروهای خاص، توسعه نسل جدید رآکتورهای کوچک (SMRs) در نیروگاه‌ها و ساخت پیشران‌های هسته‌ای از جمله این مصارف است. بر این اساس چرا باید یک کشور با چشم‌پوشی از انرژی هسته‌ای این دریچه فوق‌العاده را به روی خود ببندد و نسل‌های آینده‌اش را از گستره وسیعی از فناوری‌ها و توانایی‌ها محروم یا به دیگران وابسته کند؟! این سؤالی است که رئیس‌جمهور و وزیر خارجه امریکا باید پاسخ آن را به ما بدهد. «دونالد ترامپ» در گفت‌وگو با شبکه ان‌بی‌سی‌نیوز تأکید کرد که هدف او از مذاکرات هسته‌ای با ایران و «تنها گزینه‌اش» در آن «برچیدن کامل برنامه هسته‌ای» ایران است. پیش از او وزیر خارجه امریکا گفته بود: «تنها کشورهایی در جهان اورانیوم را غنی می‌کنند که دارای سلاح هسته‌ای هستند. ایران باید بپذیرد که دیگر اورانیوم را غنی نمی‌کند، نیروگاه خواهد داشت، چون به انرژی هسته‌ای نیاز دارد و اورانیوم غنی‌شده را وارد خواهد کرد.» برخلاف اظهارات وزیر خارجه امریکا نیز همه کشورهای صاحب فناوری غنی‌سازی اورانیوم، دارای سلاح اتمی نیستند. طبق گزارش «مؤسسه انرژی و تحقیقات محیط‌زیست» و «انجمن جهانی هسته‌ای» ۱۷ کشور در جهان صاحب فناوری غنی‌سازی اورانیوم هستند. از این میان هشت کشور امریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین، هند، پاکستان و کره‌شمالی تسلیحات اتمی دارند و ایران در کنار آلمان، هلند، ژاپن، کره‌جنوبی، استرالیا، آرژانتین، برزیل و آفریقای‌جنوبی از جمله کشورهای صاحب فناوری غنی‌سازی اورانیوم است که هیچ سلاح هسته‌ای در اختیار ندارند و از انرژی هسته‌ای برای مقاصد غیرنظامی استفاده می‌کنند. نویسنده اضافه کرده است: امریکا تنها کشوری است که از تسلیحات هسته‌ای در جنگ استفاده کرده و یکی از بزرگ‌ترین زرادخانه‌های اتمی جهان را نیز دارد و همیشه این سؤال باقی است کشوری که خودش در زمینه استفاده نظامی از انرژی هسته‌ای متهم است، چگونه طلبکار شده و نسبت به رقابت تسلیحات اتمی در غرب آسیا یا جهان ابراز نگرانی می‌کند؟

تحلیل

فائزه یوسفی

طعمه پوچ تحریف نام «خلیج‌فارس»

در حالی که بسیاری از اسناد تاریخی مؤید نامگذاری پهنه آبی استراتژیک خلیج‌فارس است، طبق آنچه در خبرها انتشار یافته، رئیس‌جمهور امریکا به دنبال سیاست‌های تنش‌آفرین و ثبات‌زدای خود در این منطقه، در این فکر است که به طور وقیحانه نام آن را به یک نام جعلی تغییر دهد؛ موضوعی که انتقادات زیادی را چه در داخل و چه در خارج از کشور برانگیخته و از آن به عنوان نماد خباثت امریکا در حق هویت تاریخی ایران و همچنین گسترش رویکرد استعمارگرایانه ترامپ یاد شده است چراکه پیش از این، وی نام خلیج مکزیک را به طور یکجانبه به خلیج امریکا تغییر داده و اکنون توجه خود را به یک مناقشه منطقه‌ای معطوف کرده است.

تاریخچه دشمنی و عناد امریکا با ایران، بر سر موضوع هویت مستقل و کهن ایرانی به قبل از انقلاب برمی‌گردد، زیرا سیاست امپریالیستی امریکا اجازه نمی‌دهد ملتی که دارای تاریخ و فرهنگ، تمدن کهن و ارزش‌ها و باورهای ضداستعماری و مذهبی است، به زیست خود ادامه دهد. اقدامات ضدایرانی امریکا در راستای تجزیه ایران، جدا شدن بخش‌هایی از کشور و تضعیف قدرت ملی ایران و ایجاد وابستگی‌های بنیادین در این دسته قرار می‌گیرند. در حال حاضر هم راهبردهای چندگانه امریکا به فعالیت خود علیه منافع ایران تحت عناوین دروغین و بزک شده، چون حقوق بشر، حقوق زنان و مواردی از این قبیل ادامه می‌دهند.

هدف نهایی تغییر نام خلیج‌فارس نیز در راستای عملی کردن هدف دیرین امریکا یعنی مخدوش کردن هویت و اعتبار ایران در جایگاه منطقه و جهانی قرار دارد. پاک کردن نام «فارس» از روی خلیج‌فارس نشان می‌دهد هدف امریکا جمهوری اسلامی نیست بلکه ضربه زدن به ماهیت وجودی ایران و ایرانی است.

■ خلیج‌فارس در اسناد تاریخی

این رفتار گستاخانه در حالی است که بسیاری از اسناد قدیمی بر نام خلیج‌فارس تأکید می‌کند. طبق اطلاعات موجود، در آوریل ۲۰۰۶، گروه کارشناسان نام‌های جغرافیایی سازمان ملل متحد برای بحث در مورد اعتبار اصطلاح خلیج‌فارس تشکیل جلسه دادند و سندی هشت صفحه‌ای تهیه کردند. این بررسی نشان داد در دوران امپراتوری هخامنشیان، بین سال‌های ۵۵۹ تا ۳۳۰ پیش از میلاد، نام دریای پارس به طور گسترده در متون مکتوب استفاده می‌شده که نشان‌دهنده نفوذ ایرانیان بر این منطقه بوده است. پس از آن، چندین جغرافیدان یونانی و رومی، از جمله بطلمیوس در قرن دوم، به خلیج‌فارس یا دریای پارس اشاره کردند.

همچنین کارشناسان سازمان ملل متحد بیش از ۳۰ کتاب از جغرافیدانان، محققان و دانشمندان مسلمان چون آثار ابن خردادبه، استخری، طبری، محمد بن عمر و دهها نفر دیگر بررسی کردند که در آن همگی به خلیج‌فارس یا دریای پارس اشاره دارند، با وجود این به نظر می‌آید امریکا حربه دیگری علیه ایران و ثبات و آرامش منطقه به کار گرفته و تلاش دارد بر تنش‌های موجود بیفزاید، اما هویت تاریخی یک ملت را نمی‌شود و نمی‌توان دستمایه اغراض سیاسی کرد و به نتیجه نخواهد رسید، چنانکه دیگر ادعاهای ترامپ طی ۱۰۰ روز گذشته جواب نداد مثل تغییر پاناما و حتی وی را مجبور به عقب‌نشینی کرد، مانند وضع تعرفه‌های سنگین.

■ بومرنگی که به امریکا خواهد خورد

امریکا در پی پلیدی و شرارت خود علیه ایران این بار با دست‌درازی به ریشه ۷هزار ساله یک ملت و چندهزار ساله یک نام یعنی خلیج‌فارس بدون نقاب و روتوش به مقابله با هویت ایرانی برخاسته است. این خباثت واکنش‌های بسیاری را در همه اقوام، گروه‌ها، جریان‌های سیاسی و طیف‌های مختلف مردمی برانگیخت و سبب شد همه یکصدا در برابر امریکا قرار بگیرند، حتی غرب‌گرایان داخلی که همواره در حال تطهیر چهره امریکا و زدودن نیات پلید آن هستند، این بار به گود آمدند و در رسانه‌های متبوع‌شان علیه امریکا موضع گرفتند. این اقدام وقیحانه سبب شد دقیقاً در نقطه مقابل تلاش‌های امریکا برای ایجاد گسست‌های قومی، مذهبی و اجتماعی در داخل کشور، اراده و وحدت ملی برای مقابله با امریکا شکل بگیرد، بنابراین این ایده به جای آنکه سودی برای کاخ سفید داشته باشد، به شکل‌گیری و تقویت اتحاد قدرتمند ملی در مقابل امریکا منجر شد و در نهایت، بازنده اصلی خود امریکا خواهد بود.

به گفته وزیر خارجه ایران این اقدام کوته‌بینانه هیچ اعتبار یا اثر حقوقی یا جغرافیایی نخواهد داشت و تنها خشم همه ایرانیان از هر قشر و طبقه‌ای را برخواهد انگیخت.

■ استارت سیاست تفرقه در منطقه

بحث پیرامون نام خلیج‌فارس بیش از شش دهه است منبع تنش ژئوپلتیکی بین ایران و همسایگانش در خلیج‌فارس بوده است، از این رو ایده تغییر نام همزمان با سفر ترامپ به منطقه و فروش تسلیحات پیشرفته به عربستان، بخشی از سیاست‌های تشنج‌آمیز او در منطقه است که با تحریک رقابت تسلیحاتی، سیاسی و حمایت از مداخلات جنجالی عملیاتی می‌شود، به ویژه که تحولات در سوریه و لبنان به تشدید کشمکش‌های سیاسی پنهان ایران و کشورهای عربی منجر شده است. امریکا تلاش دارد رابطه ایران با کشورهای عربی را به سمت واگرایی بکشاند و با تشدید تنش‌های موجود، نفوذ خود را در منطقه گسترده کند، پایگاه‌های خود را توسعه دهد و اجرایی‌شدن راهبردش علیه ایران را تضمین کند.

■ کسب حمایت از کشورهای عربی

امریکا تلاش دارد با اقداماتی نمادین که هیچ پشتوانه حقوقی ندارد و در جهان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، توجه اعراب را به خود جلب و همکاری با آنها را در چارچوب کهنه گاوهای شیرده تعقیب کند. در واقع، امتیاز واهی و بی‌هزینه تغییر نام خلیج‌فارس به اعراب، نوعی بزهکاری سیاسی و کلاه گشادی است که امریکا بر سر اعراب خواهد گذاشت. برای امریکا همکاری با کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس که همواره بستری برای پیشبرد منافع و کسب سودهای کلان اقتصادی بوده‌اند، در اولویت قرار دارد.

■ هراس از همکاری نزدیک ایران و کشورهای عربی

تقویت همکاری بین اعراب و به ویژه عربستان با ایران همواره نگرانی‌هایی جدی برای کاخ سفید به همراه داشته است چراکه تمایل آنها به ایران بیانگر ناامیدی آنها از امریکا بوده است و به معادلات جاری امریکا در منطقه آسیب وارد می‌کند. از طرفی این دیدگاه عربی که منتج از سیاست‌های چرخش به سمت شرق است، سبب کاهش نفوذ امریکا می‌شود و پیامدهای منفی را برای این کشور مداخله‌جو دربر خواهد داشت. به عنوان نمونه پس از تهدیدات مکرر امریکا مبنی بر حمله به ایران، کشورهای عربی که پیش‌تر در خفا برای جلوگیری از این حملات تلاش می‌کردند، اکنون به‌صورت رسمی اعلام کرده‌اند اجازه نخواهند داد ایالات‌متحده از پایگاه‌های نظامی مستقر در خاک‌شان برای حمله به ایران استفاده کند.

گزارش ۲

قالیباف: دوسوم قوانین کشور منسوخ و زمینه‌ساز فساد است!

۱۲هزارو۵۰۰ قانون در کشور وجود دارد که بیش از دوسوم قوانین امروز منطبق با شرایط کشور نیست و زمینه‌ساز فساد است.

به گزارش فارس، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی که به استان گلستان سفر کرده است، ظهر دیروز در مراسم بزرگداشت مختومقلی فراغی و نشست نخبگان با رئیس مجلس شورای اسلامی در گنبدکاووس اظهار کرد: بیش از ۱۲هزارو ۵۰۰ قانون در کشور وضع شده که بیش از دوسوم آن، منطبق با شرایط کشور نیست و به زبان عادی، مرگ آنها فرا رسیده است و خود زمینه‌ساز فساد هستند. بوروکراسی و دیوان‌سالاری قوانین باعث شده است برخی قوانین زمینه‌ساز فساد شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی ابراز کرد: برای تحول و استفاده از ظرفیت‌های موجود حدود ۵۰ماده و بند قانون جامع تدوین خواهد شد و امید داریم تا خردادماه سال آینده، همزمان با اجلاسیه دوم مجلس شورای اسلامی این قوانین محقق شود.

وی ادامه داد: یکی از دلایل مهم ما در مشکلات موجود جامعه و کشور این است که نتوانسته‌ایم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به درستی از ظرفیت مردم استفاده کنیم و به روش سنتی اکتفا کرده‌ایم. قالیباف گفت: به رغم اینکه بودجه امسال استان گلستان نسبت به سال گذشته، دو برابر شده است، اما تا از همه ظرفیت‌های موجود، نیروهای انسانی و همراهی مردم و بخش خصوصی به صورت کمال و تمام استفاده نکنیم، این اعتبارات تأثیری در رفع مشکلات نخواهد داشت.

وی بیان کرد: برنامه هفتم با نام پیشرفت و عدالت به عنوان سند میثاق ملی که مورد تأکید و تأیید دولت و رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است، در صورت تحقق از تمام ظرفیت‌های حوزه‌ها و بخش‌های مختلف استفاده خواهد شد و به تحول و توسعه کشور منجر می‌شود. رئیس مجلس شورای اسلامی یادآور شد: در نگاه اول تنوع اقوام این باور را ایجاد می‌کند که باعث جداسازی خواهد شد اما وحدت عملی و زندگی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب مختلف در استان گلستان، همبستگی را در ذهن تداعی می‌کند و به عنوان یک اهرم قوی در برابر توطئه‌های دشمن است.

■ تنوع اقوام و مذاهب در گلستان مایه مباهات است

محمدباقر قالیباف همچنین روز پنج‌شنبه در نشست با اقوام آزادشهر با اشاره به چالش‌های اقتصادی، راه‌حل را در مردمی‌سازی اقتصاد دانست و گفت: اقتصاد ما زمانی شکوفا می‌شود که به دست مردم سپرده شود.

وی با اشاره به تنوع اقوام و مذاهب در گلستان و آزادشهر گفت: انقلاب اسلامی با مجاهدت امام خمینی(ره) و همراهی مردم، هویتی متحد و یکپارچه برای ملت ایران خلق کرد. وحدت اقوام و مذاهب در این منطقه، گواهی بر این میراث ارزشمند است.

وی این انسجام را مایه مباهات دانست و افزود: گلستان نمونه‌ای درخشان از زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه است که باید قدر آن را دانست و تقویت کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود به ظرفیت‌های خوب گلستان در بخش‌های گوناگون از جمله جنگل، دریا، معادن، گردشگری و کشاورزی و سرمایه انسانی اشاره کرد و گفت: از این ظرفیت‌ها خوب استفاده نشده و اکنون این استان جزو چهار استان کم‌برخوردار کشور است.

■ مشکلات اقتصادی ریشه در ناترازی مدیران دارد

قالیباف از افزایش دوبرابری اعتبارات گلستان خبر داد و افزود: اگر اعتبارات سه تا چهار برابر هم شود، مشکلی از این استان حل نمی‌کند، مگر اینکه اقتصاد را به مردم واگذار کنیم و فرهنگ کار و تلاش جهادی را سرلوحه کار مدیران قرار دهیم.

وی با یادآوری اینکه در سال‌هایی این کشور ۱۱۹میلیارد دلار درآمد نفتی داشته ولی اقتصاد ما هیچ فرقی نکرده است، اضافه کرد: علت این موضوع ناترازی مدیران و ضعف آنها بوده است.

قالیباف به ناترازی در برق هم اشاره کرد و گفت: در بسیاری از کشورها از زغال سنگ برای تولید برق استفاده می‌کنند و سهم گاز آنها برای تولید برق فقط ۹درصد است اما در کشور ما ۹۰درصد تولید برق ما از گاز است و سهم زغال‌سنگ که معادن خوبی داریم، بسیار اندک است. رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین از تدوین قانون جامع حمایت از کارگران معادن زغال‌سنگ در مجلس خبر داد و بیان کرد: حوادث تلخی که در برخی معادن ما رخ می‌دهد، قابل قبول نیست. قالیباف ابراز امیدواری کرد با استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در گلستان و تخصیص منابع اعتباری لازم، این استان هم به توسعه و پیشرفت برسد.

■ در جنگ اقتصادی هستیم

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین عصر پنج‌شنبه در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان گلستان از ضرورت تغییر نگاه برای غلبه بر مشکلات اقتصادی سخن گفت و تأکید کرد: در میانه جنگ تمام‌عیار اقتصادی هستیم و باید با همان روحیه و عزم دفاع مقدس در برابر چالش‌ها بایستیم. محمدباقر قالیباف با اشاره به ظرفیت‌های بی‌نظیر گلستان خواستار هم‌افزایی و دوری از نگاه‌های جزیره‌ای برای توسعه این استان شد.

وی با برشمردن فرصت‌های گلستان اظهار کرد: شما به دریا دسترسی دارید، هم‌مرز با کشورهای منطقه هستید و از طریق این استان می‌توان به بازارهای عظیم چین و روسیه متصل شد. بیش از ۷۰۰هزار هکتار زمین کشاورزی مرغوب در اختیارتان است. اینها نه فقط مزیت، بلکه گنجینه‌ای برای توسعه هستند.

قالیباف با ابراز تأسف از وضعیت کنونی افزود: با این همه ظرفیت، سخت است بپذیریم که گلستان در شاخص فقر، چهارمین استان کشور باشد. این واقعیت با ظرفیت‌های استان همخوانی ندارد.

رئیس مجلس با نقد رویکردهای موجود گفت: راه‌حل مشکلات، تغییر نگاه ماست. اگر رویکردمان اشتباه باشد، هرچه جلوتر برویم، فقط به بیراهه می‌رویم. وی با اشاره به افزایش بودجه گلستان تأکید کرد: بودجه این استان را دو برابر کردیم، اما حتی اگر سه برابر هم شود، بدون مدیریت صحیح و هماهنگی، اتفاقی نخواهد افتاد. مشکل اصلی ما ناترازی مدیریتی است که مانع اجرای طرح‌های توسعه‌ای شده است.

قالیباف با دعوت از مدیران و نخبگان گلستان به وحدت فکری گفت: برای پیشرفت، باید به فهم مشترکی برسید که با برنامه هفتم توسعه همسو باشد. نگاه جزیره‌ای و اولویت دادن به توسعه یک شهر خاص، سم مهلکی برای گلستان است. وی تأکید کرد: توسعه پایدار این استان تنها با برنامه‌ریزی یکپارچه، پرهیز از پراکندگی و تمرکز بر ظرفیت‌های استراتژیک محقق خواهد شد.

رئیس مجلس با الهام از روحیه دفاع مقدس، مدیران گلستان را به تلاشی جهادی فراخواند و گفت: اینجا جایی برای توقف نیست. با تغییر نگاه، هماهنگی و استفاده هوشمندانه از فرصت‌ها، می‌توانید گلستان را به جایگاهی درخور شأنش برسانید.

یادداشت میهمان

فاطمه کاوند

«سیاست خارجی» ابزار تسهیل‌گر یا علت مستقیم

در سال‌های اخیر یکی از مناقشات محوری در تحلیل وضعیت اقتصادی ایران، به نقش سیاست خارجی در بهبود یا وخامت شاخص‌های اقتصادی بازمی‌گردد. در سطح تحلیل عمومی و حتی نخبگانی، دو دیدگاه اصلی در برابر هم قرار گرفته‌اند: دیدگاه نخست، بر این باور است که توسعه اقتصادی ایران اساساً به سیاست خارجی و نحوه تعامل با نظام بین‌الملل وابسته است، در این رویکرد، هرگونه گشایش یا انسداد در مناسبات خارجی مستقیماً با وضعیت اقتصادی پیوند خورده و به‌عنوان عامل تعیین‌کننده دیده می‌شود.

در مقابل، دیدگاه دوم، سیاست خارجی را یک ابزار در خدمت توسعه می‌داند، نه یک علت مستقل و مستقیم. بر پایه این تحلیل، ساختار اقتصادی، کیفیت حکمرانی، توان مدیریتی و انسجام سیاستگذاری درون‌زا نقش اصلی را در موفقیت یا ناکامی اقتصادی ایفا می‌کنند و سیاست خارجی تنها زمانی معنا می‌یابد که در پیوند با این مؤلفه‌ها قرار گیرد.

در سنت‌های فکری مختلف در روابط بین‌الملل و سیاست تطبیقی، سیاست خارجی نه به‌عنوان یک نیروی مولد مستقل، بلکه به‌مثابه ابزاری در چارچوب منافع ملی تعریف می‌شود، حتی در نظریه‌های واقع‌گرایی که تأکید زیادی بر قدرت و امنیت دارند، نقش سیاست خارجی به تنظیم روابط خارجی برای کسب منافع ملی محدود می‌شود. سیاست خارجی بستر را فراهم می‌کند، اما کنشگر اصلی برای استفاده از این بستر، ساختار و ظرفیت درونی دولت- ملت است.

در ایران بسیاری از مشکلات اقتصادی همچون تورم مزمن، بی‌ثباتی ارزی، نرخ پایین بهره‌وری و ناترازی بودجه‌ای، ریشه در سازوکارهای اقتصادی داخلی دارند. هرچند تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی اثرگذار بوده‌اند، اما نبود اصلاحات در نظام مالیاتی، عدم‌شفافیت مالی، گستردگی اقتصاد رانتی و ساختار بودجه‌محور وابسته به نفت، باعث شده است حتی در زمان گشایش‌های موقتی، اثر پایداری در اقتصاد ایجاد نشود.

این دیدگاه بر تحلیل ساختاری تأکید دارد، یعنی عوامل درونی و نهادی در اقتصاد را مهم‌تر از عوامل محیطی می‌داند. از این منظر، سیاست خارجی ابزاری است که ظرفیت‌های آن باید درون ساختار اقتصادی تعریف و هدایت شود.

اگر اقتصاد، برنامه و ظرفیت لازم برای جذب سرمایه، ارتقای صادرات یا گسترش زنجیره تولید نداشته باشد، حتی بهترین توافق‌های بین‌المللی هم به توسعه منجر نخواهند شد.

سیاست خارجی به عنوان ابزار، دارای چهار کارکرد اصلی در رابطه با اقتصاد است:

۱- تسهیل دسترسی به منابع خارجی: سیاست خارجی می‌تواند مسیر دسترسی به بازارهای صادراتی، فناوری، سرمایه و منابع مالی جهانی را هموار کند، اما بدون زیرساخت مناسب داخلی، این منابع جذب یا مدیریت نخواهند شد.

۲- افزایش مشروعیت بین‌المللی: روابط خارجی متعادل و بدون مناقشه می‌تواند مشروعیت حکومت را در سطح جهانی ارتقا دهد که خود موجب افزایش ریسک‌پذیری کمتر سرمایه‌گذاران و ثبات محیط کسب‌وکار می‌شود.

۳- مدیریت تهدیدات خارجی: سیاست خارجی مؤثر می‌تواند تهدیدات ژئوپلتیک و فشارهای سیاسی را کاهش دهد و فضا را برای تمرکز بر توسعه اقتصادی داخلی فراهم کند.

۴- ابزاری برای مذاکره اقتصادی: از طریق دیپلماسی اقتصادی، دولت‌ها می‌توانند امتیازات اقتصادی از شرکای خود بگیرند، اما این امتیازات تنها زمانی مؤثر هستند که با راهبرد توسعه درونی همراستا باشند.

این کارکردها تنها زمانی به نتیجه می‌رسند که درون یک ساختار اقتصادی منسجم، شفاف و برنامه‌محور تعریف شوند. برای مثال، اگر سیاست خارجی درصدد جذب سرمایه خارجی باشد، اما در داخل کشور نااطمینانی حقوقی، فساد و بی‌ثباتی اقتصادی حاکم باشد، سرمایه‌گذار خارجی حتی با وجود توافق سیاسی نیز وارد نخواهد شد. به‌بیان دیگر، سیاست خارجی در خلأ کار نمی‌کند، بلکه بازتاب و مکمل ساختار قدرت و برنامه‌ریزی داخلی است.

این تحلیل با دیدگاه گروهی از سیاستگذاران در ایران تضاد دارد، کسانی هستند که گمان می‌کنند تنها از مسیر مذاکره و توافق سیاسی می‌توان به رفاه اقتصادی رسید. تجربه برجام نشان داد حتی در صورت کاهش موقتی موانع خارجی، اگر زیرساخت‌های داخلی اصلاح نشوند، بهبودی پایدار حاصل نخواهد شد. افزایش صادرات نفت در دوره پسابرجام، به دلیل عدم‌مدیریت صحیح منابع ارزی، مجدداً واردات‌محور شد و به تقویت تولید داخلی منجر نشد.

به‌طور مشابه، در شرایط تحریم نیز شاهد آن هستیم که برخی کشورها با استفاده از توان بومی، اصلاح ساختار اقتصادی و تقویت تولید داخلی، بخشی از اثرات فشارهای خارجی را کاهش داده‌اند. ونزوئلا که دچار بحران اقتصادی شدید شد، نه‌فقط به‌خاطر تحریم‌ها، بلکه به‌واسطه فساد درون‌ساختاری، مدیریت ضعیف منابع و نبود راهبرد اقتصادی بلندمدت بود. در مقابل، کشورهایی همچون ویتنام و مالزی یا روسیه تحریم‌شده در دوران پساجنگ با اوکراین، با اصلاحات اقتصادی درونی توانستند از بستر سیاست خارجی به‌طور مؤثر استفاده کنند و از فشار تحریم‌ها بکاهند.

موفق‌ترین نمونه این رویکرد کشور چین است که به یکی از قطب‌های مهم اقتصاد و سیاست در دنیا تبدیل شده است.

چین طی چهار دهه گذشته از سیاست خارجی کاملاً ابزارمحور استفاده کرده است:

۱- برای دسترسی به فناوری و بازار با غرب همکاری کرده است.

۲- همزمان ساختار تولید داخلی، آموزش و سرمایه‌گذاری را تقویت کرده است.

سیاست خارجی چین موتور اقتصادی نبوده، بلکه ابزاری برای فعال‌سازی موتور اقتصاد درونی بوده است. نمونه بارز این رویکرد، پروژه کمربند و راه است که ابزار نفوذ اقتصادی و ژئوپلتیک چین شده، اما بر پایه رشد تولید داخلی و زیرساخت ملی استوار است.

در نهایت اینکه در تحلیل عمیق و ساختاری از رابطه سیاست خارجی و اقتصاد، باید تأکید کرد که سیاست خارجی ابزاری ضروری اما ناکافی برای توسعه است. موفقیت یا ناکامی اقتصادی در درجه اول به حکمرانی داخلی، برنامه‌ریزی راهبردی، شفافیت و انسجام نهادی وابسته است. دیپلماسی و مذاکره زمانی معنا می‌یابد که پیوست اقتصادی درونی داشته باشد.

گروهی در ایران سیاست خارجی را به صورت مبالغه‌آمیز علت اصلی مشکلات اقتصادی می‌دانند و راه‌حل را صرفاً در بازگشت به توافقات خارجی می‌جویند. این رویکرد، نادیده‌گرفتن نقش ساختار درونی اقتصاد و مسئولیت حکمرانی داخلی است. دیدگاه صحیح‌تر آن است که سیاست خارجی را در خدمت توسعه تعریف کنیم، نه به‌عنوان جایگزینی برای حکمرانی مؤثر.

پذیرش این تحلیل به‌ویژه برای تصمیم‌گیران حکومت و کارشناسان علوم سیاسی ضروری است، چراکه بدون نگاه واقع‌گرایانه و مبتنی بر شواهد، سیاستگذاری به سوی ساده‌سازی و سطحی‌نگری سوق پیدا خواهد کرد. سیاست خارجی باید بخشی از پازل توسعه ملی باشد، نه تمام آن. آینده اقتصاد ایران بیش از آنکه در وین، نیویورک و مسقط یا شانگهای تعیین شود، در ساختارهای اقتصادی و سیاسی داخلی رقم می‌خورد.